

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/11/09

عقیل بن ابی طالب از صحابه ای است، که در اذان «حي علي خير العمل» می گفت :

عقیل برادر امیرالمؤمنین علیه السلام است که حافظ علوی می گوید:

أن عقيل بن ابيطالب كان يؤذن بحي علي خير العمل إلي أن فارق الدنيا.

عقیل بن ابی طالب تا آخرین لحظات عمرش، در اذان، حی علی خیر العمل می گفت.

الأذان بحي علي خير العمل حافظ علوي، ص 28

زید بن ارقم از صحابه ای است، که در اذان «حي علي خير العمل» می گفت :

یکی دیگر از صحابه، زید بن ارقم است که شوکانی در نیل الأوتار، جلد 2، صفحه 44 نقل می کند:

أن زيد بن أرقم كان يؤذن بحي علي خير العمل.

زید بن ارقم در اذان خود (حي علي خير العمل) می گفت.

ایشان می گوید «كان يؤذن»، یعنی بر این عمل استمرار داشت.

عبد الله بن عباس از صحابه اي است، که در اذان «حي علي خير العمل» مي گفت :

نهمين نفر از صحابه، عبدالله بن عباس حبر الأمة است که باز حافظ علوي نقل مي کند که:

كان علي بن ابيطالب و الحسن و الحسين و عقيل بن ابيطالب و ابن عباس و عبدالله بن جعفر و محمد بن حنفيه يؤذنون إلي أن فارقوا الدنيا فيقولون حي علي خير العمل و يقولون لم يزل في الأذان.

علي بن ابي طالب و حسن و حسين و عقيل بن ابي طالب و ابن عباس و عبدالله بن جعفر و محمد بن حنفيه تا پايان عمر خود در اذان (حي علي خير العمل) مي گفتند.

الأذان بحي علي خير العمل حافظ علوي، ص 54 - همين كتاب با تحقيق محمد سالم عزان، ص 109

عبدالله بن عمر از صحابه اي است، که در اذان «حي علي خير العمل» مي گفت :

دهمين نفر از صحابه، عبدالله بن عمر است. از او روايات زيادي (بيش از 20 روايت) داريم که در اذان حي علي خير العمل مي گفت. روايت در سنن بيهقي است که مي گويد:

أنه يقول ذلك (حي علي خير العمل) في أذانه.

عبد الله بن عمر در اذان خود(حي علي خير العمل) مي گفت.

سنن كبري بيهقي، ج 1، ص 425.

عبدالرزاق استاد بخاري متوفاي 235 هجري، مي گويد:

أن ابن عمر كان إذا قال في الأذان حي علي الفلاح قال حي علي خير العمل.

فرزند عمر هر گاه اذان مي گفت: (حي علي الفلاح) و (حي علي خير العمل) مي گفت.

المصنف عبدالرزاق، ج 1، ص 460، ح 1786 - جامع ابن أبي شيبة، ج 1، ص 145 - محلي ابن حزم، ج 3، ص 160 - سيره حلي، ج 2، ص 105 - كنز العمال، ج 8، ص 342، ح 23174 و ص 345، ح 23188.

در كتاب الأذان حافظ علوي و الإعتصام بحبل الله المتين قاسم بن محمد زيدي متوفاي 1029 هجري نقل مي کنند:

عن زيد بن محمد عن نافع: أن ابن عمر كان إذا أذن قال حي علي خير العمل.

از ابن عون از نافع روايت شده: فرزند عمر همیشه در اذن خود (حي علي خير العمل) مي گفت.

و در كتاب مراتب الإجماع ابن حزم اندلسي، صفحه 27، از جمله مواردی که ادعای اجماع کرده، همین قضیه حي علي خير العمل عبدالله بن عمر است و بعد از نقل این بحث، مي گويد:

و بحث عن هذين الإسنادين في حي علي خير العمل، فوجدتهما صحيحين إلي ابن عمر و زين العابدين.

من هر دو سند روايت (حي علي خير العمل) را بررسی کرده و هر دو سند را که ابن عمر و زين العابدين مي رسد را صحيح يافتم.

احكام الأحكام ابن حزم، ج 4، ص 593 - الروض النضير، ج 1، ص 542 - الإعتصام بحبل الله المتين، ج 1، ص 310.

اینها روایاتی است که دلالت می کند بر این که عبدالله بن عمر، به صورت ثابت و مستمر، در اذانش حی علی خیر العمل می گفت. بعضی از روایات هم هست که می گوید بعضی وقت ها می گفت و بعضی وقت ها نمی گفت.

بیهقی در سنن نقل می کند از نافع که:

کان ابن عمر أحيانا إذا قال حي علي الفلاح قال علي إثرها حي علي خير العمل.

ابن عمر گاهی از اوقات در اذان خود پس از (حی علی الفلاح) ، (حی علی خیر العمل) می گفت.

سنن البیهقی الکبری، ج 1، ص 1102، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البیهقی الوفاة: 458،

دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994، تحقیق: محمد عبد القادر عطا.

باز در همان صفحه از سنن دیگر نقل می کند که:

کان ابن عمر لا يؤذن في سفره و كان يقول حي علي الفلاح و أحيانا يقول حي علي خير العمل.

فرزند عمر در سفر اذان نمی گفت و هر گاه (حی علی الفلاح) می گفت گاهی (حی علی خیر العمل) می گفت.

سنن البیهقی الکبری، ج 1، ص 1102، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البیهقی الوفاة: 458،

دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994، تحقیق: محمد عبد القادر عطا. مصنف ابن أبي شيبة، ج 1،

ص 196

باز هم در همان صفحه از سنن بیهقی از لیث سعد از نافع نقل می کند که:

کان ابن عمر ربما زاد في أذانه حي علي خير العمل.

ابن عمر گاهی در اذان خود (حي علي خير العمل) مي گفت.

سنن البيهقي الكبرى، ج 1، ص 1102، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي الوفاة: 458، دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - 1414 - 1994، تحقيق: محمد عبد القادر عطا- مصنف ابن أبي شيبة، ج 1، ص 196

عبد الرزاق استاد بخاري در كتاب المصنف، جلد 1، صفحه 464، حديث 1797 مي گوید:

عن ابن عمر أنه كان يقيم الصلاة في السفر، يقولها مرتين أو ثلاثا يقول حي علي الصلاة حي علي الصلاة، حي علي خير العمل.

فرزند عمر در سفر اقامه مي گفت و دو مرتبه يا سه مرتبه مي گفت: (حي علي الصلاة، حي علي الصلاة، حي علي خير العمل).

المصنف، ج 1، ص 464، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: 211، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي

در سفر فقط اقامه مي گفت و اذان را نمي گفت و در اقامه گاهی دو مرتبه و گاهی سه مرتبه مي گفت: حي علي الصلاة حي علي الصلاة، حي علي خير العمل.

اينها مسائل دين را به بازي گرفته اند و دل بخواهي عمل مي کنند و تعبد در کار نيست و اين از مصائب تاريخ اسلام است.

اینها می گویند نبی مکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) مجتهد بود و ما هم مجتهد، ما هم به اجتهاد خود عمل می کنیم و.... یکی از الطاف الهی خداوند بر ما، همین ائمه عصمت و طهارت (علیهم السلام) و ولایت ایشان است و قدر این نعمت را نمی دانیم.

ابن حزم تعبیری دارد و می گوید:

وَلَقَدْ كَانَ يُلْزَمُ مَنْ يَقُولُ فِي مِثْلِ هَذَا عَنِ الصَّاحِبِ مِثْلُ هَذَا لَا يَقَالُ بِالرَّأْيِ أَنْ يَأْخُذَ بِقَوْلِ ابْنِ عُمَرَ فِي هَذَا فَهُوَ عَنْهُ تَابِتٌ بِأَصْحَحِّ إِسْنَادٍ.

از این سخن ابن عمر لازم می آید که اگر کسی (حي علي خير العمل) بگوید، قول به رأی نگفته و عمل به اجتهاد کرده و این جمله در اذان از ابن عمر، با صحیح ترین سند ها ثابت است.

المحلي، ج 3، ص 160، اسم المؤلف: علي بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد، الوفاة: 456، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربي

زين الدين عراقي که از فقهای بنام اهل سنت است، نقل می کند:

أما حي علي خير العمل فذكر ابن حزم أنه صح عن عبدالله بن عمر عن أبي أمامه، سهل بن حنيف، أنهما كانا يقولان في أذانهما حي علي خير العمل.

اما حي علي خير العمل را ابن حزم ذکر کرده و سند این سخن از عبد الله بن عمر از ابی امامه از سهل بن حنيف صحیح است و آن دو نفر در اذان خود (حي علي خير العمل) می گفتند.

الروض النضير، ج 1، ص 541 - الإعتصام بحبل الله المتين، ج 1، ص 311.

در مختصر از شرح ابن دقيق العيد بر کتاب عمده که عزیزان دقت کنند و بعدا شاید به این دو کتاب بیشتر برخورد کنیم و یکی از شخصیت های برجسته اهل سنت که وهابیت هم حساسیت دارند بر او، ابن دقيق العيد است و اسمش احمد بن علي متوفاي 723 هجري است. ایشان کتابي دارد بر کتاب عمده بدر الدين ابن فرهون متوفاي 679 هجري و از کتاب های معتبر فقهي اهل سنت است و برایش ارزش قائل اند و حدود 12 شرح عمده نوشته اند براي او، و این کتاب مثل کتاب شرائع و عروه ما است که شرح های زیادی بر آن نوشته شده؛ و در خیلی از دروس خارج اهل سنت، ملاک استنباط احکام، غالبا شروحي است که بر عمده ابن فرهون نوشته شده است. آقاي ابن دقيق العيد تعبیرش این است که:

قد صح بالسند الصحيح أن زين العابدين و عبدالله بن عمر أذنا بحي علي خير العمل إلي أن ماتا.

با سند صحیح ثابت شده و امام زين العابدين عليه السلام و عبدالله بن عمر، تا هنگام مرگ، در اذان، حي علي خير العمل را مي گفتند.

الروض النضير، ج 1، ص 542.

البته روایات در مورد عبدالله بن عمر زیاد است و من این چند روایت را گزینش کرده ام.

جابر بن عبد الله انصاري از صحابه اي است، که در اذان «حي علي خير العمل» مي گفت :

یازدهمین نفر جابر بن عبدالله انصاري متوفاي حدود 68 هجري است.

ایشان نقل می کند که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

كان علي عهد رسول الله يقول المؤذن بعد قوله **حي علي الفلاح، حي علي خير العمل؛ فلما كان عمر بن الخطاب في خلافته نهي عنه؛ كراهةً عن ينكل عن جهاد.**

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مؤذن در اذان خود (حي علي الفلاح و حي علي خير العمل) می گفت؛ اما عمر در زمان خلافتش به خاطر ترس از این که جهاد ترك شود از این کار نهي نمود.

عمر وقتی به خلافت رسید، از حي علي خير العمل نهي کرد؛ و ترسید برای این که مردم از جهاد روي بگردانند و روي به نماز ببرند.

در زمان عمر که فتوحات زیادی انجام شد، مردم به جهاد رغبتی نشان نمی دادند و حتی از فضائل جهاد هم زیاد گفته می شد، ولی مردم می گفتند اگر واقعا جهاد این همه فضیلت داشت، چرا به جهاد خير العمل نمی گویند و به نماز می گویند؟ و ما همین جا در مدینه می مانیم و عمل به حي علي خير العمل می کنیم؛ و این واژه حي علي خير العمل، بهانه ای بود برای فرار از جهاد و به خاطر همین قضیه، عمر دستور داد که حي علي خير العمل را از اذان حذف کنند و دیگر در اذان گفته نشد.

این دلالت می کند بر این که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن را نسخ نکرده است؛ مانند متعه که در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اجرا می شد، ولی عمر آن را حرام کرد به همراه متعه حج.